



Critical Analysis of Oral and Written Distinction in “List Analysis” Idea

Fatemeh Vanaki¹ | Fathiyeh Fattahizadeh² | Mohammad Kazem Rahmansetayesh³

1. P. D, Department Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: f_vanaki@alzahra.ac.ir
2. Corresponding Author, Professor, Department Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran. Email: mk.setayesh@qom.ac.ir

Abstract

“List analysis” apparently differs from the oral and written distinction and rejection of the oral tradition from the Shiite culture. Given the difference in learning from the newly written and their republication, this study presents a reading aligned with current understanding and classifies the fundamentals of this theory into two categories: 1) the immunity of the written text, and 2) effects of the process of learning hadiths under two sub-categories of number of narrators and the time lapse since the issuance of the nass. The outcome of the critical analysis of these fundamentals and the ensuing reasoning is, first, the immunity of the written text compared to the oral narration, and, secondly, lack of effect of number of narratives on the process of oral and written narration. For, despite the assumptions of this approach, first, the multiplicity of narrators provides more opportunities for obtaining hadith texts, and, secondly, it is not possible to claim the possibility of oral transmission in an earlier period and rule it out in a later period.

Keywords: List analysis, Hearing and Rearranging, Shiite Permissions, Developmentalism, Oral and Written.

Cite this article: Vanaki, F., Fattahizadeh, F., & Rahmansetayesh, M. K. (2024). Critical Analysis of Oral and Written Distinction in “List Analysis” Idea. *Quranic Researches and Tradition*, 56 (2), 511-533. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2024.351092R70106>



Article Type: Research Paper

Received: 28-Jan-2023

Received in revised form: 10-Jun-2023

Accepted: 7-Jan-2024

Published online: 18-Mar-2024



تحلیل انتقادی تفکیک شفاهی و مکتوب در اندیشه «تبیین فهرستی»

فاطمه ونکی^۱ | فتحیه فتاحی‌زاده^۲ | محمد کاظم رحمان‌ستایش^۳

۱. دانش‌آموخته دکترا، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. رایانامه: f_vanaki@alzahra.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. رایانامه: f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir
۳. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: mk.setayesh@qom.ac.ir

چکیده

بیان «تبیین فهرستی» از تفکیک شفاهی و مکتوب و نفی سنت شفاهی از فرهنگ شیعی، بیانی به ظاهر مختلف است که این نوشتار با نظر به تفاوت درس‌گیری نونگاشته‌ها و بازنشر آن‌ها خوانشی همسو با فهم جریان‌های از آن ارائه داده و زیرساخت‌های اساسی آن‌را تحت عناوین مصونیت متن مکتوب و نیز تأثیر فرایند درس‌گیری حدیث از دو مقوله میزان شمار راویان و فاصله زمانی از صدور نص، طبقه‌بندی کرده‌است. تحلیل انتقادی این زیرساخت‌ها و استدلال‌های مبتنی بر آن، اولاً مصونیت نسبی متن مکتوب نسبت به نقل شفاهی و ثانیاً عدم تأثیر میزان شمار راویان بر فرایند نقل شفاهی و مکتوب را نشان می‌دهد؛ زیرا برخلاف مدعای این رهیافت، اولاً کثرت شمار راویان، امکان بیشتری برای به‌دست دادن نویسه‌های حدیثی فراهم می‌کند؛ ثانیاً نمی‌توان امکان رواج نقل شفاهی را در دوره‌ای متقدم‌تر ادعا کرده و در دوره‌ای متأخرتر منتفی دانست.

کلیدواژه‌ها: اجازات شیعه، تبیین فهرستی، جریان توسعه‌گرا، سماع و قرائت، شفاهی و مکتوب.

استناد: ونکی، فاطمه، فتاحی‌زاده، فتحیه، و رحمان‌ستایش، محمد کاظم (۱۴۰۲). تحلیل انتقادی تفکیک شفاهی و مکتوب در اندیشه «تبیین فهرستی». پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۶ (۲)، ۵۱۱-۵۳۳.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸

بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷

انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2024.351092.670106>



مقدمه

چگونگی درس‌گیری یا طریق تحمل حدیث از مباحث مهم علم مصطلح‌الحدیث و عبارت از ضوابطی است که علماء حدیث به منظور (شناخت چگونگی نقل و در پی آن) حصول اطمینان از صحت نقل راوی، وضع کرده‌اند. از رهگذر چنین ضوابطی معلوم می‌شود راوی، چگونه حدیث را فراگرفته و چگونه به نقل آن مبادرت کرده‌است (ایزدی، ۸).

این اصطلاح از زمان آغاز نقل حدیث، وجود نداشت و در قرن دوم هجری و هم‌زمان با اهمیت یافتن اسناد روایات نبوی در سطح محدودی، میان محدثان مطرح شد (همان، ۹-۱۰). آنان برای بیان ارزش نوع تحمل حدیث و نقل آن، هفت اصطلاح سماع، قرائت، اجازه، مناوَله، کتابت، اعلام و وجاده را وضع کردند (شیخ‌بهایی، ۶؛ مامقانی، ۶۳-۶۷ و ۸۷-۹۳ و ۱۰۵-۱۱۱؛ ابن‌صلاح، ۱۷۸/۶).

در صورتی که یک مکتوب به وسیله سماع از شیخ و قرائت بر او نقل می‌شد، اعتبار بیشتری داشت؛ زیرا به این وسیله، احتمال بدخوانی‌های متن بسیار کم می‌شد. درجه بعدی اعتبار از آن اجازه (اعم از مناوَله، کتابت و اعلام) بود؛ زیرا صدور اجازه به منزله شهادت قولی/ فعلی مؤلف بر این است که کتاب، نگاشته خود اوست، مطلبی به آن اضافه نشده و قابلیت نسخه‌برداری دارد. وجاده نیز پایین‌ترین درجه اعتبار را داشت؛ زیرا در نسخ بازاری و سماع نشده، امکان هرگونه دخل و تصرف و اشتباهی بالا است^۱ (میرزایی، ۱۴).

بیان مسئله

تحلیل فهرستی، منهج فهرستی، روش فهرستی و در نهایت «تبیین فهرستی» عبارت‌های گوناگون از یک نظریه واحد بوده که از جانب برخی پژوهش‌گران معاصر مطرح شده‌است؛ به گونه‌ای که در آخرین گفتار، از میان تعابیر مختلف، «تبیین فهرستی» را دقیق‌تر دانسته‌اند (فولادزاده، ۱۳۹۸ ش، ۸). در طول تاریخ، جمهور حدیث‌پژوهان، صرف‌نظر از اطمینان یا عدم اطمینان به بدنه اصلی میراث روایی شیعه، هم خود را به زدودن غبار ضعف و جعل از این مجموعه مصروف داشتند؛ درحالی که امروزه در رویکردهای پیرا حدیثی شیعه دو نگاه متفاوت شکل گرفته‌است. یکی نگاه باورمند به اصالت بدنه اصلی میراث امامیه یا نگاه توسعه‌گرا است و دیگری آن را از اساس غیراصیل و جعل‌زدایی و ضعف‌زدایی از آن را بسیار سخت یا تقریباً غیر ممکن می‌داند.

«تبیین فهرستی» از جمله رهیافت‌های جریان توسعه‌گرا است که با تکیه بر بازخوانی واقعیت‌های تاریخ حدیث شیعه، فضای کلی حدیث امامیه را معتبر قلمداد می‌کند. نظام مشترک معنایی در این جریان، حاکمیت نگاه تاریخی بر فرایند اعتبارسنجی صدور روایات بوده و توسط نظریه‌پردازانی

^۱ رای آگاهی از روش مقبول تحمل حدیث و مراتب آن نزد علمای امامی قرن پنجم (نک: موسوی، ۵۵۵/۲-۵۶۲).

هدایت می‌شود که داعیه‌ی احیای شیوه‌ی قدما در اعتبارسنجی روایات را دارند و در جهت کاهش اثر تخریبی مطالعات رجالی بر ضعف سند می‌کوشند.

ضرورت پژوهش

«تبیین فهرستی» از تاریخ حدیث اسلامی تصویرسازی بی‌سابقه‌ای دارد. این رهیافت از گذر نفی سماع و قرائت (سنت شفاهی)، در واقع به دنبال نفی راوی‌محوری از تاریخ حدیث شیعه‌است؛ زیرا در این اندیشه، میزان نقش آفرینی و تأثیر راویان در سنت مکتوب بسیار محدود است. با این توضیح، روشن است که مطالعات رجالی رایج که با هدف لزوم احراز اعتبار تک‌تک راویان سند به انجام می‌رسد، تناسبی با زیرساخت‌های تاریخی این اندیشه ندارد و سدی بر سر راه توسعه مد نظر آن است.

تصویرسازی تاریخی این رهیافت، مبتنی بر تفکیک شفاهی و مکتوب است؛ براین اساس، مطالعه انتقادی این تفکیک، لازم و ضروری است. به این منظور، سه گام، پیش‌روی این نوشتار است: بازخوانی فرایند درس‌گیری نگاشته‌های شیعه در اندیشه «تبیین فهرستی»، ارائه‌ی خوانشی نوین از آن و در نهایت بازآرایی استدلال، نقد و تحلیل این دیدگاه.

لازم به ذکر است که از مهم‌ترین پیامدهای تفکیک شفاهی و مکتوب به شیوه «تبیین فهرستی»، اختصاص نوع خاصی از اجازات به فرهنگ شیعی و نیز حکم به تفوق طریق بر سند است. نوشتار حاضر، بر بحث تفکیک شفاهی و مکتوب متمرکز است و تفصیل این دو پیامد را به مجال دیگری موکول می‌کند.

پیشینه تحقیق

آثاری در سه سطح حول محور «تبیین فهرستی» پدید آمده‌است:

۱. سطح توصیفی: دو کتاب نگاهی به دریا نوشته سیداحمد مددی موسوی و بازسازی متون کهن حدیث شیعه نوشته سید محمد عمادی حائری.

۲. سطح تحلیل انتقادی: پایان‌نامه‌های بررسی و نقد نظریه تبیین فهرستی احادیث نوشته علیرضا صفاریان همدانی و نیز مطالعه نقدی تبیین فهرستی در اعتبارسنجی احادیث نوشته وحید فولادزاده. مقالات نگاهی به نقش و جایگاه مؤلفه‌های «کتاب‌محور» در ارزیابی‌های حدیثی قدما در پرتو تحلیل منابع فهرستی نوشته حمید باقری؛ «منبع معتبر» و نشانه‌های آن نزد محدثان متقدم امامی: نگاهی به جایگاه «منبع مکتوب» در حدیث پژوهی قدما نوشته همو؛ ارزیابی حدیث به روش «تحلیل فهرستی» دیدگاه‌ها و مبانی نوشته سید رضا شیرازی و محمود ملکی و نیز نگاشته‌های حسن انصاری در وبگاه *Ansari.kateban...m*.

۳. سطح پیاده‌سازی روش: کتاب بررسی روایات به روش فهرستی نوشته احمد میرزائی؛ کتاب حدیث و اعتبار کتاب‌محور نوشته احسان سرخه‌ای و مقاله فهرستی؛ سیر مطالعه حدیث شیعه به

صورت فهرستی نوشته سید محمدکاظم طباطبایی و رضا عطایی، مقاله ارائه سازوکار اجرایی «تحلیل فهرستی» به همراه پیاده‌سازی بر نمونه‌ها نوشته سیدرضا شیرازی؛ مقاله ارزیابی حدیث عبدالله بن بکیر در قاعده لاضرر به روش تحلیل فهرستی نوشته سیدرضا شیرازی، محمد غفوری‌نژاد و احسان سرخه‌ای.

آثار شمارش شده در دو سطح نخست، تبیین زیرساخت‌های فکری سید احمد مددی موسوی را به عنوان نظریه‌پرداز اصلی برعهده دارد؛ بنابراین با نوشتار حاضر در یک تناسب محتوایی است. با این وجود، تفکیک شفاهی و مکتوب به عنوان اصلی‌ترین زیرساخت تاریخی این رهیافت، با تمام جزئیات موشکافی نشده است.

۱. بازخوانی فرایند درس‌گیری نگاشته‌های شیعه در اندیشه «تبیین فهرستی»

بیانات سید احمد مددی تاکنون قالب مصاحبه داشته و ساختاری نظام‌مند از آن دیده نشده است؛ درحالی‌که در ساماندهی ساختار این نوشتار، بیان ایشان با تقدم و تأخر موضوعی و تصرف در برخی تعابیر، گزارش شده و تقسیم‌بندی‌ها و عنوان‌گذاری‌های موجود در آن در آثار نظریه‌پرداز و سایر پژوهش‌گران این عرصه دیده نمی‌شود؛ بدین ترتیب، توصیفی تحلیلی از دعاوی «تبیین فهرستی» به دست آمده که مسیوق به سابقه نیست.

«تبیین فهرستی»، انگیزه و امکان بازنشر فراگیر نگاشته‌های شیعی از طریق سماع و قرائت را مردود می‌داند و معتقد است، تلقی شفاهی از شیوه درس‌گیری نگاشته‌های شیعی، یک خطای بنیادین است که فرایند اعتبارسنجی صدوری میراث روایی این مکتب را از مسیر واقع‌گرای قدمای امامیه منحرف ساخته است.

این اندیشه همچنین با تکیه بر پیش فرض عدم مصونیت نگاشته‌های اهل سنت و نیز کثرت شمار ایشان؛ امکان اعتماد به وجاده و اجازه و نیز انگیزه اهتمام به نگارش را در فرهنگ اهل سنت منتفی می‌داند. با این توضیح، توصیف تحلیلی از تفکیک شفاهی و مکتوب در اندیشه «تبیین فهرستی» در دو بخش خواهد آمد:

۱-۱. اختصاص فرهنگ شفاهی به اهل سنت

در باب نوشتار از دیرباز، دو دیدگاه متفاوت مطرح بوده است. براساس یک دیدگاه، کتاب حدیثی حتماً باید سماع یا قرائت شود و اگر به نحو دیگر (اجازه/وجاده) اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است؛ اما دیدگاه دیگر، اخذ و نقل از کتاب را بدون سماع یا قرائت معتبر می‌داند (عمادی‌حائری، ۱۱۹).

به تصریح «تبیین فهرستی»، در عصر صدور روایات، اعتماد به وجاده در میان فریقین دیده نمی‌شود و بر اجازه مقرون به سماع و قرائت برای روایت کتاب، تأکید خاصی وجود دارد؛^۲ با این تفاوت که شیعیان به محض صدور و اهل سنت با فاصله زمانی ۱۵۰ ساله از صدور احادیث نبوی به نگارش روایات روی آورده بودند.

در چنین فضایی، اهل سنت سخت‌گیری بیشتری کردند و تحمل کتاب را فقط به نحو سماع پذیرفتند (مددی موسوی، ۳۸۰). در حالی که در میان شیعیان، کتابت به محض صدور، به معتبر دانستن نقل حدیث از منبعی مکتوب و حتی ترجیح آن بر نقل شفاهی انجامید و دیگر اختلاف اساسی ایشان با محدثان اهل سنت را رقم زد (عمادی حائری، ۳۰-۳۱). همچنین محدودیت شمار شیعیان، امکان نشر گسترده روایات را از ایشان سلب کرد؛ به گونه‌ای که از کتاب خریز که از مهم‌ترین کتاب‌های شیعه در باب صلات است، تنها دو یا سه نفر روایت کرده‌اند (مددی موسوی، ۳۶۵).

شیعیان در چنین شرایطی، انتقال احادیث را نه بر مبنای سماع و قرائت، بلکه بر مبنای مکتوبات حدیثی صورت دادند (همان، ۳۶۰-۳۶۲). از دیگر سو، اهل سنت به اتکای کثرت شمار راویان در هر طبقه، آن‌چنان که شایسته است به نگارش، اهتمام نورزیدند و انتقال روایات ایشان از طبقه‌ای به طبقه دیگر، متکی بر نقل شفاهی بود.^۳

صورت خلاصه استدلال	
۱	انگیزه رواج سماع و قرائت، وجود نقل‌های غیر مصون از خطا است.
۲	نقل‌های غیر مصون از خطا، نقل‌های شفاهی و نقل‌هایی است که با فاصله از صدور مکتوب شده است.
۳	شیعه به محض صدور و اهل سنت پس از ۱۵۰ سال به نگارش روایت روی آورد.
۴	شیعه، برخلاف اهل سنت، انگیزه اهتمام به سماع و قرائت را نداشت؛ پس به وجاده و اجازات بدون سماع و قرائت اکتفا کرد.
۵	کثرت شمار راویان بستر ساز رواج سماع است.
۶	حقیقت تاریخ حدیث شیعه محدودیت شمار راویان است، پس بستر به کارگیری سماع برای شیعه فراهم نبود.
۷	حقیقت تاریخ حدیث سنی کثرت شمار راویان است، پس بستر رواج سماع و قرائت برای اهل سنت فراهم بود.

^۲ اهل سنت برای وجاده ارزشی قائل نیستند و مهم‌ترین اشکال ایشان به صحیفه صادقه وجاده‌ای بودن آن است (ر.ک. عمادی حائری، ۳۱)؛ شیعیان برای نقل از کتب حدیثی به صورت وجاده - بدون قرائت یا سماع و یا اخذ اجازه روایت کتاب - ارزشی قائل نبودند (ر.ک. همان، ۳۴ پاورقی).

^۳ هنگامی که افرادی مانند احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق) به خواندن حدیث مشغول بودند، ممکن بود ده هزار نفر از ایشان استماع کنند. به باور ایشان اهل سنت در قرن دوم و سوم نوشتار داشتند؛ اما از آنجا که هر شیخ راویان متعدد و بسیار داشت، به نوشتار آن‌طور که در میان شیعه رواج داشت روی نیاوردند (ر.ک. مددی موسوی، ۳۶۵-۳۶۶).

۱-۲. اختصاص فرهنگ مکتوب به تاریخ حدیث شیعه^۴

در این رهیافت، علی‌رغم بی‌اعتباری «وجاده» نزد اهل سنت، شیعیان به دلایلی نقل از اثر مکتوب را معتبر شمرده و تضمین اعتبار «وجاده» نزد آنان، با صدور اجازات عام (تأیید وجود نسخه بدون سماع و قرائت و حتی رؤیت آن) بوده است. بنابراین «وجاده» هم، می‌توانست در روایت کتاب استعمال شود؛ اما شواهد متعدد حاکی از آن است که انتقال بسیاری از کتب حدیثی شیعه، صرفاً با اجازات عام (= اجازه بدون سماع، قرائت یا نسخه‌برداری) بوده است؛ به‌خصوص که نسخه‌های مشهور نیازی به اجازه نداشته و اگر اجازه‌ای برای آن‌ها صادر شده، تنها برای تشریفات و حفظ سنت اجازه بوده است.^۵ بنابراین در این نگاه، حجیت یک کتاب منوط به صحت انتسابش به مؤلف مورد وثوق بوده و تحت تأثیر وثاقت واسطه‌های میان مؤلف تا معصوم (ع) نبوده است.

در اندیشه «تبیین فهرستی» اهل سنت، آثار مکتوب را روایت به حساب آورده و اجازه روایت را نیز به این منظور به کار بردند؛ در حالی که شیعیان، آثار مکتوب را کتاب و اجازه یک کتاب را دلیلی بر حجیت آن می‌دانستند (عمادی‌حائری، ۸۰-۸۱).

با این توضیح، در میان شیعیان، «وجاده» از طرق معتبر و رایج نقل و انتقال دانش به حساب می‌آمد و تعابیر و اصطلاحاتی نظیر «روایت»، «حدیث» و «اجازه» تماماً در راستای محوریت آثار مکتوب در نظام نشر حدیث معنا می‌شد؛ به‌گونه‌ای که وجود هرگونه نقل شفاهی صرف و مبتنی بر سماع و قرائت، در میان شیعیان مردود است.^۶ در اندیشه این رهیافت، واژه «روایت»، بیشتر در گزارش کتب دیگران و واژه «حدیث» در گزارش احادیث یک نفر در مؤلفات دیگران به کار رفته و به ندرت سنت شفاهی نقل و انتقال حدیث را تداعی می‌کند (سرخه‌ای، ۹۳-۱۱۹) و تعابیری همچون «له روایات» همسان تعابیری نظیر «له کتاب» یا «له کتاب النوادر» است و نه طریق نقل شفاهی؛ بلکه وجود شکل خاصی از آثار مکتوب را گزارش می‌کند (همان، ۹۸-۱۲۵).

بنابراین در این اندیشه، در پی تضعیف موقعیت نگاه‌شسته‌های کهن شیعی، حدیث‌پژوهان شیعه با وسواس بیشتری طریق تحمل حدیث را بررسی کردند؛ به‌گونه‌ای که با صرف نظر از اعتبار وجاده و

^۴ این اختصاص به معنای اجتناب اهل سنت از مکتوب کردن نقل‌ها نیست؛ بلکه به این معنا است که صرفاً شیعیان به شیوه نقل و انتقال مکتوب، بدون همراهی شفاهی اعتماد می‌کردند.

^۵ یعنی مؤلف یا راوی کتاب بدون بهره‌گیری از سماع یا قرائت، اجازه کل کتاب یا اجازه کل آثارش را به دیگران می‌دهد. حتی ممکن است فردی اجازه برخی از کتب یا نسخ حدیثی را از مؤلف یا راوی آن‌ها اخذ کرده باشد، اما خود کتاب یا نسخه را در اختیار نداشته باشد و حتی آن‌ها را ندیده باشد. به علاوه ممکن است فردی بدون در اختیار داشتن کتاب یا نسخه و تنها با استناد به اجازه‌ای که در اختیار دارد، آن‌را به فرد دیگری اجازه دهد. کارکرد این نوع اجازه‌ها بیشتر برای "تأیید وجود کتاب و شناساندن نسخه‌ای از آن در صورت لزوم، مستندسازی نسخه و نیز تأیید انتساب کتاب به مؤلف آن بوده است (ر.ک. طارمی‌راد، ۱۶۴-۱۶۱).

^۶ دورنمایی که در این دو پاراگراف درباره نظرگاه «تبیین فهرستی» درباره طریق رایج تحمل حدیث در عصر پالایش آمده است، مستقیماً در آثار نظریه‌پردازان مشاهده نمی‌شود؛ بلکه از اظهارات ایشان چنین برمی‌آید.

اجازات عام، تنها سماع، قرائت و اجازه مقرون به سماع و قرائت را معتبر قلمداد کردند. بدین ترتیب، طریق نقل کتاب‌ها، سند نقل شفاهی قلمداد و امکان سهو و دخل و تصرف در متن، در تمامی طبقات نقل آن لحاظ شد، غافل از آنکه متن حدیث از همان ابتدا به شکل مکتوب درآمده و از دخل و تصرف مصون گشته بود. بدین ترتیب در عصر بازنگری در اعتبار روایات، فرایند اعتبارسنجی از مسیری که متقدمان بنا نهاده بودند منحرف شد.^۷

صورت خلاصه استدلال:	
۱	امکان اعتماد به وجاده و اجازه تنها در صورت مصونیت نگاشته‌ها از خطا است.
۲	نگاشته‌های شیعه به محض صدور و نگاشته‌های سنی با فاصله از صدور مکتوب شده‌است.
۳	نگاشته‌های شیعه مصون از خطا و نگاشته‌های سنی غیر مصون از خطا است.
۴	امکان اعتماد به وجاده و اجازه برای شیعه فراهم بود؛ برخلاف اهل سنت.
۵	محدودیت شمار راویان، بسترساز به کارگیری وجاده و اجازه‌است.
۶	حقیقت تاریخ حدیث شیعه محدودیت شمار راویان و حقیقت تاریخ حدیث سنی کثرت شمار راویان است.
۷	انگیزه به کارگیری وجاده و اجازه برای شیعیان فراهم بود؛ برخلاف اهل سنت.

۲. ارائه خوانشی نوین از مدعای «تبیین فهرستی»

در اندیشه «تبیین فهرستی»، سماع و قرائت به نقل شفاهی و اجازه و وجاده به نقل از منبع مکتوب اشاره دارد.^۸ این اندیشه از سویی بر اجازه مقرون به سماع و قرائت برای روایت کتاب (پشتیبانی فرهنگ شفاهی و مکتوب)، در میان فریقین تأکید دارد و علاوه بر سماع و قرائت، اعتبار و رواج اجازه نقل کتاب را نیز در میان شیعیان مشهود می‌داند (عمادی حائری، ص ۳۴ پاورقی) و از سوی دیگر، با اصرار بر تفکیک فرهنگ شفاهی و مکتوب، اسناد شیعی را صرفاً طریق نقل کتاب دانسته و امکان و انگیزه رواج سماع و قرائت را از ایشان نفی می‌کند؛ بیانی به ظاهر مختلف، که بازآرایی استدلال، نقد و تحلیل آن، مسبوق به ارائه خوانشی نوین است. خوانش منتخب نوشتار حاضر از این بیان، ضریب تفاهم در فهم جریانی را بالا برده و اهداف توسعه‌گرایان را به بهترین شکل پشتیبانی می‌کند.

^۷ مطالب ذکر شده به صراحت در کلمات هیچ‌یک از نظریه‌پردازان این رهیافت مشاهده نمی‌شود؛ اما بیانات ایشان در سایر موارد که در این نوشتار ذکر و ارجاع شده است، نقطه‌نظرات ایشان در این عرصه را چنین می‌نمایاند.

^۸ مناوله، کتابت و اعلام را نیز می‌توان زیر مجموعه اجازه دانست و تحت این عنوان نام برد. مراد نظریه‌پردازان از اجازه، هریک از انواع تحمل حدیث به جز وجاده است. به بیان دیگر هرآنچه به طریق اجازه نباشد وجاده است (نک. میرزایی، ۱۸).

۲-۱. خوانشی هم سو با فهم جریانی

از جمله مزایای فهم جریانی، بالابردن ضریب تفاهم در میان رویکردهای یک جریان است. در میان رهیافت‌های جریان توسعه‌گرا، رهیافت «قرینه‌محور» فرایند فراروی دین‌پژوهان شیعه در دریافت و نشر و گسترش آموزه‌های دینی را فرایندی پنج مرحله‌ای می‌داند:

۴. استنساخ و بازنگاری نگاشته‌ها؛

۵. درس‌گیری نونگاشته‌ها از نگارندگان اصلی در قالب قرائت بر استاد یا شنیدن قرائت استاد یا شنیدن قرائت دیگر همدردان در محضر استاد؛

۶. تصحیح و برطرف ساختن کاستی‌های احتمالی راه‌یافته به نسخه‌های شاگردان؛

۷. اجازه استاد به نقل نو نگاشته‌ها و نسخه‌های جدید؛

۸. در نهایت بازنشر یا بهره‌گیری از نگاشته‌ها برای خلق نگاشته‌های تازه و پربارتر از سوی شاگردان و نسخه‌نگاران (ر.ک. حسینی شیرازی، ۴۹۱).

بنابراین نوشتار حاضر، برای ارائه خوانش منتخب خویش به تفاوت درس‌گیری نونگاشته‌ها و بازنشر آن‌ها توجه داده و بر این باور است که «تبیین فهرستی» التزام شیعه به سماع و قرائت (پشتیبانی شفاهی و مکتوب) را مختص به عصر حضور معصومان (ع) و مرحله‌های نخست درس‌گیری نونگاشته‌های شیعی می‌داند؛ به خصوص که شواهد تاریخی متقنی مبنی بر التزام اصحاب ائمه (ع) به سماع و قرائت وجود دارد. درحالی‌که در بازنشر نگاشته‌ها در عصر پالایش روایات،^۹ علاوه بر عدم امکان سماع گسترده، بحث بی‌نیازی جامعه شیعی از پشتیبانی فرهنگ مکتوب با سماع و قرائت (تفکیک شفاهی و مکتوب) به‌ویژه درباره کتب مشهور که از جانب اصحاب تلقی به قبول شده، مطرح است.

طبق گزارش‌های تاریخی در اندیشه اصحاب صادقین (ع) پابندی به روش سماع و قرائت، تا بدان اندازه استوار بود که حتی در فرض ناتوانی هم از آن چشم‌پوشیده و به ناچار در ترک آن از امام اجازه می‌گرفتند.^{۱۰} برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که در عصر حضور، اعتماد صرف به اجازه و چشم‌پوشی

^۹ این نام‌گذاری از جانب مؤلف و منظور از آن قرن سوم تا پنجم هجری است و می‌توان قرون پیش از آن را عصر صدور حدیث و قرون پس از آن را عصر بازنگری در اعتبار روایات نامگذاری کرد.

^{۱۰} در حدیث معروف عبدالله بن سنان، جهت چاره‌جویی رجوع انبوه و پیوسته مردم به اصحاب که ناتوانی و درماندگی در قرائت حدیث را برای مراجعان به دنبال داشت، امام کنار گذاشتن فرایند درس و تدریس در قالب سماع و قرائت را روا نمی‌شمارد و درخواست پابندی به آن را دارد (کلینی، ۱ / ۱۲۸). این پرسش و پاسخ نشان از نهادینه شدن این فرایند و درستی برداشت و دغدغه این‌سنان دارد (حسینی شیرازی، ۲۹۶-۲۹۷). در این گزارش کاربرد دو عبارت «یجینی القوم» و «یستمعون منی حدیثکم» بر هر دو معنای انبوهی و گستردگی و پیوستگی و استمرار زمانی دلالت دارد و عبارت «فاقرأ من أوله...» به روشنی پرده از وجود کتب حدیثی حاوی احادیث متعدد برمی‌دارد (همان، ۲۹۷-۲۹۸). ایشان همچنین پس از بیان روایت حرز که در صدد بیان چگونگی ارتباط روایی وی با امام صادق علیه السلام است به نقل از نجاشی، ش ۳۷۵ می‌گوید: چگونگی درس‌گیری کتاب حرز که در موضوع صلاة است و از زمان

از سماع و قرائت در سیر حدیثی محدثان نقطه ضعف به شمار می‌رفته است (حسینی شیرازی، ص ۲۹۸)؛ از جمله: ردّ درخواست احمد بن محمد بن عیسی توسط حسن بن علی بن وشاء که در صدد بود برای کوتاه کردن فرایند انتقال حدیث، استنساخ و سماع را نادیده بگیرد (نجاشی، ش ۸۰). به علاوه بر پایه گزارش‌های این چنینی، تنها دلیل تردید در درستی و انتساب کتاب اصفیاء امیرالمؤمنین (ع) ابن فضال این است که افرادی که آن را از دو شاگرد وی دریافت کرده‌اند، گونه و روش دریافت خود را اجازه از اساتید بدون سماع و قرائت معرفی کرده‌اند (همان، ش ۶۷۶). همچنین در دو گزارش جداگانه که درباره مسافرت حدیثی جعفر بن معروف و محمد بن مسعود عیاشی به دست رسیده است، انگیزه سفر، دریافت احادیث پیشینیان از طریق نگاشتن و استنساخ آن آثار بیان شده، نه فقط گرفتن صرف اجازه از اساتید حدیثی (همان، ش ۱۰۲۲؛ حسینی شیرازی، ۳۰۱).

۲-۲. خوانشی متناسب با اهداف جریان توسعه‌گرایی معاصر

برای ارائه تصویری معتبر از بدنه اصلی میراث امامیه، رهیافت «قرینه‌محور» به همراهی و پشتیبانی مکتوبات شیعه با نقل شفاهی و «تبیین فهرستی» بر تفکیک شفاهی و مکتوب اذعان دارد. این دو رهیافت علی‌رغم تفاوت رویکردشان، چشم‌انداز مشترکی دارند که همان کاهش اثر تخریبی مطالعات رجالی بر اعتبار میراث روایی امامیه است. این نتیجه‌گیری مشترک با وجود اختلاف مسیر، تنها با خوانش منتخب این نوشتار از مدعای «تبیین فهرستی» قابل توضیح است.

به این صورت که رهیافت «قرینه‌محور» همراهی و پشتیبانی شفاهی و مکتوب را راهی برای اثبات اعتبار بیشتر بدنه اصلی میراث روایی این مکتب می‌بیند و «تبیین فهرستی»، بر اساس خوانش منتخب، در گام نخست با تصریح بر پشتیبانی نونگاشته‌های شیعه، با سنت شفاهی، بر مصونیت نگاشته‌ها از جعل و دس و تزویر افزوده و باورپذیری قابل توجه میراث روایی شیعه در عصر صدور را نتیجه می‌گیرد و در گام دوم با تفکیک شفاهی و مکتوب در دوره‌های بعدی، سعی دارد اسناد شیعی را طریق نقل کتاب معرفی کند و از رهگذر مصونیت این طرق، عدم کارآمدی راوی محوری را در اعتبارسنجی روایاتی نتیجه بگیرد که در کتاب‌های مشهور آمده و از جانب اصحاب تلقی به قبول شده است.

به دیگر بیان، این اندیشه، تحلیل رجالی یا تحلیل راوی محور را سازوکار ویژه اعتبارسنجی در فرایند درس‌گیری از طریق سماع و قرائت می‌داند؛ پس با اصرار بر عدم امکان رواج سماع و قرائت در دوره‌ای از تاریخ حدیث شیعه، در واقع به دنبال نفی راوی محوری به صورت فراگیر و ایجاد توسعه در دایره روایات معتبر این مکتب است.

۳. بازآرایی استدلال، نقد و تحلیل

در باور به تفکیک شفاهی و مکتوب، وجود جزوات درسی، نکته‌ای است که همواره مغفول می‌ماند. به دیگر بیان، به هنگام سخن از آثار مکتوب، همواره کتاب‌های تمام و کمال مد نظر است، نه جزوات درسی. باید توجه داشت که مفهوم انتشار یک متن، غیر از مفهوم تألیف آن است و معنای رایج «کتاب» در نخستین سده اسلامی، با معنایی که در دوره‌های بعد رواج یافت، متفاوت است (داتن، ۷۰).^{۱۱}

توضیح آنکه در سنت حدیثی در تمدن اسلامی، سنت نقل حدیث شفاهی، بر پایه سنت مکتوب بوده (Ansari.kateban.com/post/1711)^{۱۲} و انتقال مکتوبات حدیثی محدثان، همواره بر طریق شفاهی (استماع حدیث و انتقال شخصی و مرتبط منتقل کننده و گیرنده) استوار بوده است؛ بدین معنا که در ورای هر نظام شکلی شفاهی یا مکتوب، همواره دیگری نیز وجود داشته است.

محدث در مقام روایت حدیث، گاه به حافظه خود تکیه می‌کرد؛ اما در چنین شرایطی نیز اصول روایی خود را در اختیار شاگردان قرار داده و آنان را از پیشینه اصول خود مطمئن می‌کرد. به تعبیر دیگر، متون و اصول روایی هر محدث، تنها هنگامی انتشار می‌یافت که صورتی شفاهی پیدا کند؛ بنابراین سنت شفاهی مبتنی بر سنت مکتوب و سنت مکتوب برای انتشار، نیازمند سنت شفاهی بوده است (همان‌جا).

ابتدای سنت شفاهی بر سنت مکتوب

مثلاً تدوین موطأ، مستند به اصول و دفاتری بوده که مالک بن انس آن‌ها را از استادانش در سنتی مکتوب / شفاهی دریافت کرده و در اختیار داشته است. بدین معنا که دست کم بنابر ادعای منابع سنی حدیث، مالک، دفاتر حدیث را شخصاً از استادانش دریافت و در عین حال از آن‌ها شنیده بوده است.

طبعاً در این میان گاه شاگرد، متن مکتوب اصول استادش را عیناً دریافت نکرده و صرفاً از روی آن استنساخ می‌کرد؛ استنساخی که گاه با انتخاب استاد و گاهی به انتخاب شاگرد بوده است. در مواقعی که رونویسی به انتخاب شاگرد انجام می‌شد، استاد در مجالس حدیث از طریق شنیدن و گوش دادن حدیث و مقابله دو متن، از صحت این استنساخ اطمینان حاصل می‌کرد. سپس استاد، عیناً سند روایت خود را در آغاز و یا انتهای دفتر جدید، تکرار و بازنویسی می‌کرد و بدین ترتیب، بر ابتدای آن مکتوب جدید بر اصول گذشته تأکید می‌شد. به دیگر بیان، مکتوب جدید با عرضه بر استاد و اصول اولیه او سنددار شده و از صورت نوشتاری خام و از نقطه نظر حدیثی بی‌هویت، به «اصل» (= نوشتاری

^{۱۱}. تصویرسازی تاریخی «تبیین فهرستی» از شیوه درس‌گیری حدیث، با حقایق سنت نقل حدیث در تمدن اسلامی منافی است؛ حقایقی که به دیدگاه مشهور میان حدیث‌پژوهان بدل شد، شواهد تاریخی را بدون هدف ایجاد توسعه / توضیح در اعتبار بدنه اصلی میراث روایی بازخوانی کرده، بیشترین مقبولیت را نزد حدیث‌پژوهان یافته و کمترین نقد را متوجه خود ساخته است.

^{۱۲}. مطالب برگرفته از این منتقد، با تصرف کامل در تعابیر و تقدّم و تأخر موضوعی گزارش شده است.

متکی بر سنت مکتوب / شفاهی) بدل می‌شد و صورت تدوینی هویت‌دار و شناسنامه‌دار و اصیل را به خود می‌گرفت (همان‌جا).

نیاز یک مکتوب به انتشار از طریق سنت شفاهی

از سوی دیگر انتشار معتبر اصول، صرفاً در سنت شفاهی و شخصی (سماع و اجازه و یا مناو له) ممکن بوده‌است. حال اگر بدون به‌کارگیری شیوه‌های انتقال شفاهی برای عرضه دقیق یک متن، صرفاً آن را براساس اصلی می‌نگاشتند؛ آن مکتوب هیچ ارزشی نداشته و فقط به کار بازار وراقان می‌آمد که مکتوبات حدیثی خام را در اختیار طالبان علم قرار داده و در مقابل، هزینه آن را دریافت می‌کردند. به همین خاطر بود که محدثان کهن، عموماً وجود اصول جدید شاگردانشان را که بر اساس اصول و دفاتر خود آنان نوشته شده بود، برای انتقال به آیندگان کافی می‌دانستند و پیش از مرگ، کتب و اصول خودشان را از میان برده و با آب می‌شستند، تا مورد سوء استفاده مدلسان قرار نگیرد. بدین معنا که احادیث بی‌ریشه در متن آن داخل نگردد و یا از آن مکتوبات برای اصالت بخشی به متون جدید که متکی بر مجالس حدیث و نقل شفاهی و آداب روایت نیست، بهره‌برداری نشود (همان‌جا).

ملاحظات پیش‌گفته، توجه به تفاوت دو مفهوم انتشار و تألیف یک متن را ضروری می‌نماید. احمد بن حنبل با در اختیار داشتن اصول خود که مبتنی بر مکتوبات مؤید به نقل شفاهی بود، کتاب مسند خود را املاء کرد و مستملیان، آن را تدوین می‌کردند. بدین ترتیب عملاً کتاب از سوی احمد بن حنبل تألیف می‌شد، اما او برای حفظ سنت شفاهی حدیث، کتابش را نه از طریق نشستن در خانه و نوشتن کتابی حدیثی؛ بلکه از طریق املاء، تدوین کرده‌است. با این توضیح، انتشار یک متن حدیثی بر این اساس بوده‌است:

۱. محدث کتابش را در شکل دلخواه (مثلاً در قالب مسند) بر شاگردانش عرضه می‌کرد.

۲. این عرضه، براساس اصول روایی استاد، صورت می‌پذیرفت.

۳. مستملی / مستملیان ویژه، احادیث را رونویسی می‌کردند.

۴. احادیث رونویسی شده را بر استاد، عرضه و با اصول وی مقابله می‌کردند.

۵. دست آخر پس از گذشت مدتی کتابی در حدیث تدوین می‌شد.

بنابراین تدوین، فرایندی محتاج سنت شفاهی، اما در عین حال مبتنی بر اصول مکتوب بوده‌است و اینکه گفته شده‌است احمد بن حنبل، از نوشتن و تدوین حدیث امتناع می‌کرده، منظور، تدوین کتاب حدیثی به دور از مجلس حدیث و قرار دادن آن در اختیار خوانندگان بوده‌است، زیرا به نظر او و بسیاری از محدثان، مرجعیت نباید صرفاً رجوع به یک کتاب حدیثی باشد؛ بلکه باید همواره از طریق مجلس حدیث و سنت شفاهی دنبال شود (همان‌جا).

بنابر موارد پیش‌گفته، اختصاص هر یک از دو سنت شفاهی و مکتوب به یکی از فریقین زیرساخت دارای اشکالی است که با تصویرسازی پیش‌گفته پژوهشگران از سنت نقل حدیث اسلامی منافات

دارد. پژوهشگران غربی مطالعات شفاهی و مکتوب را به قصد اثبات سنت مکتوب در کنار شفاهی سامان داده‌اند؛ از این رو نمی‌توان از حاصل پژوهش آنان به صورت مستقیم در ردّ اندیشه «تبیین فهرستی» در نفی سنت شفاهی از تاریخ حدیث شیعه برد؛ اما می‌توان به استناد آن، در بازخوانی تاریخی این رهیافت مناقشه کرد.

علاوه بر این نقد کلان، صحت استدلال این اندیشه بر اختصاص هریک از شفاهی و مکتوب به یکی از فریقین درگرو صحت یکایک گزاره‌های تشکیل دهنده آن است؛ گزاره‌هایی که متکی بر سه فرض کلیدی است که از جهاتی نیازمند موشکافی و تحلیل انتقادی است:

الف) مصونیت متن مکتوب؛

ب) تأثر فرایند درس‌گیری حدیث از مقوله میزان شمار راویان؛

ج) تأثر فرایند درس‌گیری حدیث از مقوله فاصله با زمان صدور نصّ.

۳-۱. مصونیت متن مکتوب

عنوان	مکتوبی که با زمان صدور نص فاصله ندارد، از مصونیت برخوردار است.
الف	بازآرایی استدلال
۱	خطر سهو، جعل و تحریف، همواره آنچه را ماهیت نقل دارد، تهدید می‌کند.
۲	کتابت، احتمال سهو، جعل و تحریف را منتفی می‌کند.
۳	در نتیجه نگارش هم‌زمان با صدور، نشانه مصونیت متن مکتوب از خطا است.
ب	نقد و تحلیل
۴	خطر سهو، جعل، تحریف و ... همواره آنچه را ماهیت نقل دارد، تهدید می‌کند.
۵	کتابت، احتمال خطرات پیش‌گفته را تا حدودی کاهش می‌دهد.
۶	در نتیجه نگارش هم‌زمان با صدور، نشانه مصونیت نسبی برای یک متن مکتوب است.

توضیح آنکه: براساس گزاره شماره ۱، خطراتی از جنس سهو، جعل و یا تحریف، ماهیت نقل شفاهی را تهدید می‌کند. براساس گزاره شماره ۲، کتابت، کاهش هر سه احتمال را در پی دارد؛ درحالی‌که کتابت تنها می‌تواند احتمال برخی اقسام سهو، همچون نسیان را کاهش داده و یا منتفی کند و برخی اقسام سهو نظیر تصحیف نوشتاری همچنان در مورد متن مکتوب نیز محتمل است. تبیین فهرستی بر مبنای پیش‌فرض مصونیت متن مکتوب، بر مصونیت نگاشته‌های شیعه و عدم مصونیت نگاشته‌های سنتی از خطا استدلال کرده‌است:

عنوان	مصونیت نگاشته‌های شیعه و عدم مصونیت نگاشته‌های اهل سنت از خطا
الف	بازآرایی استدلال
۱	نگاشته‌های شیعی هم‌زمان با صدور کتابت شد.
۲	نگاشته‌های سنی با ۱۵۰ سال فاصله از صدور کتابت شد.
۳	نگارش هم‌زمان با صدور، نشانه مصونیت یک متن مکتوب است.
۴	نگاشته‌های شیعی از مصونیت برخوردار و نگاشته‌های سنی فاقد مصونیت بود.
ب	نقد و تحلیل
۵	نگاشته‌های شیعه و سنی با اندک فاصله از صدور کتابت شد.
۶	نگارش هم‌زمان با صدور، نشانه مصونیت نسبی یک متن مکتوب نسبت به نقل شفاهی است.
۷	در نتیجه نگاشته‌های شیعی و سنی در میزان مصونیت از خطا چندان متفاوت نبود.

در توضیح گزاره پنجم باید توجه داشت که «تبیین فهرستی»، فاصله زمانی نگاشته‌های سنی با عصر صدور نص را ۱۵۰ سال برآورد کرده است؛ در حالی که اگرچه به باور برخی واژگانی چون «أخْبَرَنِي» و «حَدَّثَنِي» نمایانگر نقل شفاهی بوده و جوامع معتبر حدیثی به منابع مکتوب پیش از خود اشاره نمی‌کند؛ اما در مقابل، گروهی از پژوهش‌گران نیز نشان دادند که سنت کتابت از زمان پیامبر (ص) آغاز و علی‌رغم مخالفت‌های کوتاه و نامؤثر حکومتی به طور مستمر در میان صحابه رواج داشته است. ایشان با اشاره به درک نادرست برخی از پژوهش‌گران از اصطلاحات رایج درباره شیوه‌های تحمّل حدیث تأکید کردند که در تمامی این شیوه‌ها حتی سماع و قرائت، وجود متن مکتوب ضروری بوده است. به خصوص که در قرون اولیه دانشمندان ترجیح می‌دادند، هنگام استفاده از یک منبع مکتوب، به جای نام کتاب، به نام نویسنده ارجاع دهند. به این ترتیب غالباً سند روایت، نشان‌گر طریق دستیابی مؤلفان آثار بعدی به کتاب‌های پیشین است، نه طریق نقل شفاهی روایات (Abbot, 1967, vol.2, p.2; Azami, 1978, pp.30-60, 293-299).

در توضیح گزاره ششم نیز پیش‌تر بیان شد که مصونیت متن مکتوب نسبت به نقل شفاهی، نسبی بوده، موارد جعل و تحریف را پوشش نمی‌دهد. با این بیان هیچ‌یک از نگاشته‌های شیعه و سنی مصون از خطا نیست و تنها اشکال این رهیافت، اختصاص این عدم مصونیت به نگاشته‌های سنی است که مستند آن، فاصله عصر صدور نص با شروع نگارش در اهل سنت عنوان شده است؛ زیرا تاریخ حدیث شیعه در درجه اول با اتهام بزرگ جعل و تحریف و دس و تزویر در نگاشته‌ها مواجه است (نک. حسینی

شیرازی، ۴۹۷-۵۰۸) و در نظر داشتن احتمال سهو مختص موارد خاص از جمله هنگام وثاقت راویان است.

گزاره‌های تشکیل دهنده استدلال این جریان بر تفکیک شفاهی و مکتوب در ادامه از جهت تأثیر فرایند درس‌گیری حدیث از دو مقوله میزان شمار راویان و فاصله از زمان صدور نص نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۲-۳. فرایند درس‌گیری حدیث، متأثر از میزان شمار راویان

عنوان	میزان شمار راویان به طور مستقیم بر فرایند درس‌گیری حدیث اثرگذار است.
الف	بازآرائی استدلال
۱	ابزار به‌کارگیری سماع و قرائت کثرت شمار راویان است.
۲	انگیزه به‌کارگیری وجاده و اجازه محدودیت شمار راویان است.
۳	بنابراین میزان شمار راویان به طور مستقیم بر فرایند درس‌گیری حدیث اثرگذار است.
ب	نقد و تحلیل
۴	رواج (به‌کارگیری گسترده) یکی از شیوه‌های درس‌گیری، غیر از امکان به‌کارگیری آن است.
۵	کثرت شمار راویان، ابزار رواج سماع و قرائت و محدودیت شمار راویان، انگیزه رواج وجاده و اجازه‌است.
۶	میزان شمار راویان امکان به‌کارگیری روش‌های درس‌گیری را دچار مشکل نمی‌کند.
۷	میزان شمار راویان، تنها می‌تواند به رواج یکی از شیوه‌های درس‌گیری حدیث بیانجامد.

توضیح آنکه محدودیت شمار راویان، نمی‌تواند فرایند درس‌گیری شفاهی مبتنی بر سماع و قرائت را دچار اختلال کند و به عدم امکان آن بیانجامد. با این وجود، با تعدیل برداشت می‌توان مدعای این رهیافت را استقبال شیعیان از صدور اجازه برای نقل هرچه گسترده‌تر کتاب‌ها دانست؛ علی‌رغم اینکه آن‌را با سماع و قرائت هرچند محدود نیز پشتیبانی می‌کردند. به این معنا که علی‌رغم التزام بر سماع و قرائت، روند نقل و انتقال را بر صدور اجازه برای نقل کتاب‌ها بنا کردند؛ با این توضیح، تنها اشکال تاریخی این خوانش معتدل، اصرار بر اختصاص این شیوه درس‌گیری به شیعیان خواهد بود که ذیل عنوان «ماهیت اجازات شیعه» تبیین خواهد شد.

استدلال پیش‌گفته، مبنای دو استدلال دیگر قرار گرفته‌است:

۳-۲-۱. محدودیت شمار شیعیان و عدم امکان ایشان برای سماع

عنوان	شیعیان به دلیل محدودیت شمارشان امکان سماع و قرائت را نداشتند.
الف	بازآرائی استدلال
۱	کثرت شمار راویان، بسترساز به کارگیری (یا با خوانشی معتدل تر، بسترساز رواج) سماع و قرائت است.
۲	حقیقت تاریخ حدیث شیعه محدودیت شمار راویان است.
۳	شیعیان ابزار به کارگیری / رواج سماع و قرائت را (در دوره‌ای از تاریخ حدیث شیعه) در اختیار نداشتند.
۴	سنت شفاهی در (دوره‌ای از تاریخ حدیث) شیعه دیده نمی‌شود.
۵	این دوره، دوران پس از حضور ائمه (ع) و اصحاب ایشان است.
ب	نقد و تحلیل
۶	کثرت شمار راویان، ابزار رواج سماع و قرائت، است؛ نه ابزار به کارگیری آن.
۷	شمار راویان شیعه در دوران حضور، محدودتر از دوران پالایش روایات بوده است.
۸	بنابراین امکان رواج سماع و قرائت، در دوران حضور، محدودتر از دوران پالایش بوده است.
۹	«تبیین فهرستی» رواج سماع و قرائت را در عصر حضور پذیرفته و در عصر پالایش مردود می‌داند.
۱۰	گزاره‌های شماره ۸ و ۹ متناقض است.

توضیح آنکه «تبیین فهرستی» علی‌رغم اذعان بر رواج اجازه مقرون به سماع و قرائت در عصر حضور در فرهنگ شیعی (عمادی‌حائری، ۳۴ پاورقی)، مدعی عدم امکان بازنشر این نگاشته‌ها بر مبنای سماع و قرائت است (مددی‌موسوی، ۳۶۰-۳۶۲). در حالی که با قبول امکان شیعه برای سماع و قرائت در دوره‌ای متقدم‌تر، نمی‌توان به سادگی این امکان را در دوره‌ای متأخرتر منتفی دانست؛ به خصوص که در دوره بازنشر نگاشته‌ها تعداد شیعیان بیشتر و حوزه‌های حدیثی آنان فراوان‌تر بوده است.

۳-۲-۲. اختصاص وجاده و اجازه به دلیل محدودیت شمار راویان

عنوان	اهل سنت به دلیل کثرت شمارشان انگیزه به کارگیری اجازه و وجاده را نداشتند.
الف	بازآرائی استدلال
۱	انگیزه به کارگیری (یا با خوانشی معتدل تر، رواج) وجاده و اجازه، محدودیت شمار راویان است.
۲	حقیقت تاریخ حدیث سنتی، کثرت شمار راویان است.
۳	اهل سنت برای به کارگیری / رواج وجاده و اجازه، انگیزه‌ای نداشتند.
۴	سنت مکتوب در تاریخ حدیث اهل سنت دیده نمی‌شود.
ب	نقد و تحلیل
۶	حقیقت تاریخ حدیث سنتی، کثرت شمار راویان است.
۷	حقیقت تاریخ حدیث سنتی، کثرت تألیفات است.
۸	محدودیت شمار راویان، تنها یکی از انگیزه‌های رواج / به کارگیری وجاده و اجازه است.
۹	بنابراین امکان رواج اجازه و وجاده (کتابت)، در میان اهل سنت منتفی نیست.

توضیح‌آنکه:

کثرت تألیفات اهل سنت پس از سال ۱۵۰ حقیقتی غیرقابل انکار است. «تبین فهرستی» برای اثبات اهتمام صرف اهل سنت به فرهنگ شفاهی شواهد کافی ارائه نداده است. به خصوص که بر مبنای پژوهش‌های نوین، در منابع عربی کلاسیک هرگز تعابیری مانند: «شفاهاً»، «الروایة الشفاهیة»، «کتابتاً» و «الروایة الکتابیة» که به ترتیب مترادف‌های دقیق نقل شفاهی و مکتوب‌اند دیده نمی‌شود؛ بلکه آنچه وجود دارد تعبیر «الروایة المسموعة» است که به اشتباه روایت شفاهی ترجمه شده است (نک. سزگین، ۸۸-۸۹).

پیش‌تر بیان شد که با تعدیل برداشت از استدلال این رهیافت مبنی بر محدودیت شمار شیعیان، می‌توان مدعای ایشان را استقبال شیعیان از صدور اجازه برای نقل هرچه گسترده‌تر کتاب‌ها دانست؛ علی‌رغم اینکه آن‌را با سماع و قرائت هرچند محدود نیز پشتیبانی می‌کردند.

ممکن است چنین به نظر بیاید که می‌توان با همسان‌سازی، خوانشی معتدل از مسئله کثرت شمار راویان اهل سنت و عدم اهتمام ایشان به امر نگارش ارائه داد. به این صورت که اهل سنت نیز علی‌رغم التزام بر کتابت، روند نقل و انتقال را نه بر صدور اجازه برای نقل کتاب‌ها، بلکه بر سماع و قرائت بنا کردند؛ اما باید توجه داشت که این خوانش با حقایق تاریخ حدیث اهل سنت همسو نیست و گذشته از تعارض با مطالعات نوین حوزه شفاهی و مکتوب، با اشکال دیگری مواجه است و آن اینکه کثرت

تعداد راویان اهل سنت به‌طور ضمنی از امکان بیشتر ایشان برای به‌دست دادن نویسه‌های حدیثی پرده برمی‌دارد و از این روست که امکان مطالعات تاریخ‌گذاری متون در حدیث‌پژوهی اهل سنت بیش از شیعیان فراهم است. میراث حدیثی اهل سنت از راویان پرشماری برخوردار است که تحریرهای بسیاری از یک متن به‌دست داده‌اند؛ بنابراین نمی‌توان کثرت شمار ایشان را دلیل بی‌اعتنایی به امر نگارش دانست به خصوص که وجود متن مکتوب ضروری بوده و ایشان همچنان که کتب فهارسشان نشان می‌دهد، نگاشته‌های حدیثی بسیاری فراهم آورده‌اند؛ به‌گونه‌ای که نگارش زود هنگام جوامع اصلی حدیث اهل سنت و حتی شروح و حواشی آن نسبت به جوامع متقدم شیعه همواره جلب نظر می‌کند و پژوهش‌گران، کثرت جمعیت عامه را از جمله دلایل این اقبال گسترده و زود هنگام دانسته‌اند (سرخه‌ای، تحلیل فاصله زمانی نگارش منابع حدیثی فریقین، ۴۴).

در تمامی این شیوه‌ها حتی سماع و قرائت، وجود متن مکتوب ضروری بوده است. شوئلر در صحت و اعتبار تفکیک شفاهی یا مکتوب در روند انتقال حدیث در نخستین قرون اسلامی تردید و این دو نظریه را نزدیک و هم‌آهنگ کرده است. با این توضیح که نقل شفاهی و مکتوب دو روند کاملاً جدا از هم نبوده، بلکه مکمل یکدیگر است. از این رو نیازی نیست جهت اثبات غلبه یکی بر دیگری، شواهد تاریخی را تأویل کرد و یا نادیده گرفت (شوئلر، ۲۴-۲۶ و ۸۷).

نظریه شوئلر در تصویرسازی از فرهنگ شفاهی و مکتوب در نخستین قرون اسلامی تا کنون بیشترین مقبولیت را نزد حدیث‌پژوهان یافته است؛ نوشتار حاضر بر صحت مطالعات و نظریه‌پردازی و تصویرسازی شوئلر از وضعیت درس‌گیری نگاشته‌های حدیثی در قرون نخست ندارد. صرفاً اذعان می‌دارد با نظر به دقت پژوهش‌های حدیثی حول محور نوع درس‌گیری نگاشته‌ها در قرون نخستین، رهیافت «کتاب‌محور» برای اثبات جدایی فرهنگ شفاهی و مکتوب نیازمند ارائه شواهد دقیق‌تری است؛ چه آنکه تفکیک فرهنگ شفاهی و مکتوب، پیش‌فرضی است که پشتیبان سایر استدلال‌ها و تصویرسازی‌های این رهیافت از تاریخ حدیث شیعه بوده است و نمی‌توان صرفاً با استناد به محدودیت/کثرت شمار راویان یک مکتب یا فاصله زمانی با صدور روایات از غلبه فرهنگ شفاهی/مکتوب سخن گفته و یا به تک‌بعدی بودن آن در یک مکتب نظر داد.

به‌علاوه تصویرسازی این رهیافت از ماهیت اجازات در میان اهل سنت ارائه این خوانش معتدل را ناممکن می‌سازد.

۳-۳. فرایند درس‌گیری حدیث، متأثر از فاصله زمانی با دوران صدور نصّ

عنوان	فاصله زمانی با دوران صدور نصّ به طور مستقیم بر فرایند درس‌گیری حدیث اثرگذار است.
الف	بازآرایی استدلال
۱	نگارش هم‌زمان با صدور، نشانه مصونیت مکتوبات از خطا است.
۲	اعتماد به وجاده و اجازه در انتقال مکتوبات مصون از خطا ممکن است.
۳	سماع و قرائت راهی برای احراز اعتبار نگاشته‌های غیر مصون از خطا است.
۴	انگیزه به کارگیری سماع و قرائت مختص نگاشته‌های غیر مصون از خطا است.
۵	بنابراین، فاصله زمانی با دوران صدور نصّ به طور مستقیم بر فرایند درس‌گیری حدیث اثرگذار است.
۶	هرچه این فاصله بیشتر باشد، روی‌آوری به سماع و قرائت بیشتر خواهد شد.
ب	نقد و تحلیل
۵	نگارش هم‌زمان با صدور، نشانه مصونیت صد در صدی مکتوبات از خطا نیست.
۶	در انتقال تمامی مکتوبات، سماع و قرائت لازم است و امکان اعتماد به وجاده و اجازات عام، در تمامی ادوار تاریخ حدیث وجود نداشته است.
۷	بنابراین، فاصله زمانی با دوران صدور نصّ تأثیر چندانی بر فرایند درس‌گیری حدیث ندارد.

طبق مبانی نظریه‌پردازان همواره با فاصله‌گرفتن از زمان صدور روایت، انگیزه برای سماع بیشتر خواهد شد و شیعه به دلیل کتابت زود هنگام و طول مدت حضور معصومان (ع) و وجود مکتوبات مشهور یا تلقی به قبول شده از جانب اصحاب، فاقد چنین انگیزه‌ای بوده است.

۳-۳-۱. نبود انگیزه سماع و قرائت در میان شیعه

	سماع و قرائت راهی برای احراز مصونیت نقل‌ها و نگاشته‌ها است.
الف	بازآرائی استدلال
۱	سماع و قرائت با کم کردن احتمال بدخوانی‌های متن راهی برای احراز مصونیت نگاشته‌ها است.
۲	با فاصله گرفتن از زمان صدور روایت، انگیزه برای احراز مصونیت نگاشته‌ها (ی غیر مشهور) بیشتر می‌شود.
۳	با فاصله گرفتن از زمان صدور روایت، انگیزه برای سماع و قرائت بیشتر می‌شود.
۴	نشر نگاشته‌های غیر مصون از خطا (نگاشته‌های سنی) نیازمند سماع و قرائت بوده‌است.
۵	در دوران پالایش روایات، نشر نگاشته‌های مصون از خطا (نگاشته‌های شیعی) نیازمند سماع و قرائت نبوده‌است.
ب	نقد و تحلیل
۶	با فاصله گرفتن از زمان صدور روایت، انگیزه برای سماع و قرائت بیشتر می‌شود.
۷	در دوران پالایش روایات، نشر نگاشته‌های مصون از خطا (نگاشته‌های شیعی) نیازمند سماع و قرائت نبوده‌است.
۸	در عصر صدور روایات، نشر نگاشته‌های مصون از خطا (نگاشته‌های شیعی) نیازمند سماع و قرائت بوده‌است.
۹	گزاره‌های شماره ۷ و ۸ (به‌ظاهر) متناقض است.

توضیح آنکه طبق مبانی نظریه‌پردازان، همواره با فاصله گرفتن از زمان صدور روایت، انگیزه برای سماع و قرائت، بیشتر خواهد شد و شیعه به دلیل کتابت زود هنگام و طول مدت حضور معصومان، فاقد چنین انگیزه‌ای بوده‌است. درحالی که به فرض قبول تفکیک شفاهی و مکتوب در دوره‌ای از تاریخ حدیث شیعه، نمی‌توان فقدان انگیزه سماع و قرائت را در دوره‌ای متقدم‌تر ادعا کرد؛ چه‌آنکه با فاصله گرفتن از زمان صدور روایت، انگیزه برای احراز صحت نگاشته‌های غیر مشهور بیشتر خواهد شد، نه کمتر. پس با توجه به اینکه این نگرش، وجود انگیزه سماع و قرائت را در طول مدت حضور معصومان (ع) پذیرفته، صحبت از انتفاء آن در دوران پس از حضور ایشان بیانی به‌ظاهر مختلف است؛ اما باید توجه داشت که در این رهیافت، وجود انگیزه برای سماع و قرائت در دوران حضور، به استناد جعل، دس و تزویر گسترده در میراث مکتوب شیعه ادعا شده‌است؛ درحالی که نبود انگیزه برای سماع و قرائت در دوران بازنشر نگاشته‌های شیعی، مبتنی بر توفیق بزرگان اصحاب امامیه در اعتبارسنجی

نگاشته‌های عصر حضور است. با این توضیح، صورت کامل استدلال این رهیافت در این بخش از قرار ذیل است:

۱	با فاصله گرفتن از زمان صدور روایت، انگیزه برای سماع و قرائت بیشتر می‌شود.
۲	در عصر صدور روایات، دسّ و تزویر در نگاشته‌های شیعی اتفاق افتاد.
۳	در عصر صدور روایات، نشر نگاشته‌های شیعه هم نیازمند سماع و قرائت بود.
۴	در دوران پالایش روایات، اصحاب موفق به جعل زدایی از میراث شیعه شدند.
۵	در دوران پالایش روایات، نشر نگاشته‌های شیعه دیگر نیازمند سماع و قرائت نبود.

بدین ترتیب، «تبیین فهرستی» به‌گونه‌ای همه‌جانبه، انگیزه‌ای را که در عصر حضور برای سماع و قرائت وجود داشته در دوره‌های بعدی منتفی می‌داند؛ هرچند که صحت گزاره شماره ۴ که موضوع آن خارج از نوشتار حاضر است، محل تأمل جدی است.

۳-۳-۲. نبود امکان اعتماد به وجاده و اجازه در میان اهل سنت

پیش‌تر اشاره شد که نظریه‌پردازان امتیاز کتابت هم‌زمان صدور روایات را مختص به شیعه و اصلی‌ترین دلیل مصونیت قابل توجه نگاشته‌های این مکتب می‌دانند. همچنین روشن شد که اهل سنت به دلیل فاصله با زمان صدور نصّ، بر سماع و قرائت در روایت کتاب تأکید خاصی داشتند.

در این بخش علاوه بر استناد به دو مورد پیش‌گفته، صحبت از فاصله زمانی میان صدور نصّ و کتابت اولیه در میان اهل سنت است که امکان رواج درس‌گیری از طریق سنت مکتوب را از ایشان سلب کرد و موجب شد فرایند انتقال حدیث را بر سنت شفاهی بنیان نهند.

عنوان	اختصاص وجاده و اجازه به نگاشته‌های مصون از خطا
الف	بازآرایی استدلال
۱	وجاده و اجازه راهی برای انتقال نگاشته‌های مصون از خطا است
۲	نگاشته‌های اهل سنت مصون از خطا نیست.
۳	در نشر نگاشته‌های غیر مصون از خطا، اعتماد به وجاده و اجازه ممکن نیست.
۴	اعتماد به وجاده و اجازه در فرهنگ اهل سنت ممکن نبود.
ب	نقد و تحلیل
۵	نگاشته‌های شیعه و اهل سنت مصون از خطا نیست.
۶	در نشر نگاشته‌های غیر مصون از خطا، اعتماد به وجاده و اجازه ممکن نیست.
۷	اعتماد به وجاده و اجازه در فرهنگ شیعه و اهل سنت ممکن نبود.

این استدلال به خودی خود خالی از اشکال است؛ توضیح آنکه: امکان اعتماد به وجاده بر فرض مصونیت متن مکتوب نسبت به شفاهی تکیه دارد و نسبی بودن این مصونیت به عنوان قاعده‌ای عقلایی، امکان اعتماد به وجاده را به میزان قابل توجهی محدود می‌کند؛ بنابراین به نظر می‌رسد اعتماد به وجاده، نه تنها در میان اهل سنت، بلکه در فرهنگ شیعیان نیز جایگاهی نداشته‌است؛ پس تا به اینجا اشکالی که متوجه این مدعاست تنها اختصاص آن به اهل سنت است.

نتایج

۱. نخستین اشکال تاریخی تفکیک شفاهی و مکتوب در اندیشه «تبیین فهرستی»، نادیده گرفتن وجود جزوات درسی و شخصی در سنت نقل حدیث اسلامی است.
۲. زیرساخت‌های اساسی این نظریه، تحت سه‌عنوان مصونیت متن مکتوب، تأثر فرایند درس‌گیری حدیث از مقوله میزان شمار راویان و نیز مقوله فاصله زمانی از صدور قابل شمارش است.
۳. مصونیت نسبی متن مکتوب نسبت به نقل شفاهی، موارد جعل و تحریف را پوشش نمی‌دهد. پس تفاوتی میان شیوه درس‌گیری نگاشته‌های شیعه و سنی، متصور نیست.
۴. محدودیت شمار راویان نمی‌تواند محل فرایند سماع و قرائت باشد؛ همچنان که کثرت شمار راویان، به معنای امکان بیشتر ایشان برای به‌دست دادن نویسه‌های حدیثی است.
۵. اینکه شیعیان علی‌رغم التزام بر سماع و قرائت، روند نقل و انتقال را بر صدور اجازه برای نقل کتاب‌ها بنا کرده باشند و اهل سنت نیز علی‌رغم التزام بر کتابت، روند نقل و انتقال را بر سماع و قرائت روایات بنا کردند؛ برداشت معتدلی است که اشکال تاریخی آن، اختصاص نوعی خاص از اجازات به شیعیان خواهد بود.
۶. «تبیین فهرستی» با قبول امکان شیعه برای سماع و قرائت در دوره‌ای متقدم‌تر، این امکان را در دوره‌ای متأخرتر منتفی می‌داند؛ درحالی‌که در دوره بازنشر نگاشته‌ها تعداد شیعیان بیشتر و حوزه‌های حدیثی آنان فراوان‌تر بوده‌است.
۷. کثرت شمار راویان سنی، نه دلیل بی‌اعتنایی ایشان به امر نگارش، بلکه از جمله دلایل اقبال گسترده و زود هنگام ایشان به جمع‌آوری جوامع متقدم است.
۸. طبق مبانی نظریه‌پردازان همواره با فاصله‌گرفتن از زمان صدور روایت، انگیزه برای سماع و قرائت بیشتر خواهد شد؛ درحالی‌که فقدان انگیزه سماع و قرائت را در دوره‌ای متقدم‌تر (عصر صدور) ادعا کرده و در دوره‌ای متأخرتر (عصر پالایش) منتفی می‌داند.
۹. استدلال فوق، حتی بر فرض ابتنا بر توفیق بزرگان اصحاب امامیه در اعتبار سنجی نگاشته‌های عصر حضور دچار اشکال است؛ زیرا این ادعا نیز محل تأمل است.

منابع

- ایزدی، مهدی؛ مقاله علل گرایش کمیته متقدمان امامیه به طرق تحمل؛ پژوهش‌نامه قرآن و حدیث؛ ش ۲۰؛ ۱۳۹۶.
- ابی عمر عثمان بن عبدالرحمن شهرزوری (ابن صلاح)؛ مقدمه ابن صلاح فی علوم الحدیث؛ تحقیق: ابو عبدالرحمن صلاح بن محمد بن عویضه؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیه؛ ۱۴۱۶ق.
- باقری، حمید؛ نگاهی به نقش و جایگاه مؤلفه‌های «کتاب‌محور» در ارزیابی‌های حدیثی قدما در پرتو تحلیل منابع فهرستی؛ علوم حدیث؛ ش ۶۸؛ ص ۳-۲۸؛ ۱۳۹۲.
- _____ «منع معتبر» و نشانه‌های آن نزد محدثان متقدم امامی: نگاهی به جایگاه «منع مکتوب» در حدیث‌پژوهی قدما؛ پژوهش‌های قرآن و حدیث؛ ش ۱؛ ص ۱-۲۶؛ ۱۳۹۳ ش.
- حسینی شیرازی، سید علیرضا؛ اعتبارسنجی احادیث شیعه؛ چاپ دوم؛ تهران؛ سمت؛ ۱۳۹۷.
- دائن، یاسین؛ آقایی، سیدعلی؛ خاستگاه کتابت در اسلام معرفی و ترجمه کتاب پیدایش آثار مکتوب در اسلام از سماع تا قرائت اثر گرگور شولر؛ نشریه کتاب ماه دین؛ ۱۸۳؛ ۱۳۹۱ ش.
- سرخه‌ای، احسان؛ تحلیل فاصله زمانی نگارش منابع حدیثی فریقین؛ پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی؛ ش ۶؛ ۱۳۹۶.
- _____ کاربرد «حدیث» و «روایت» در فهرست و رجال پیشینیان؛ علوم حدیث؛ ش ۷۶؛ ۱۳۹۴ ش.
- سرگین، فواد؛ تاریخ نگارش‌های عربی؛ به ویراستاری احمد رضا رحیمی ریس؛ تهران؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۳۸۰ ش.
- شولر، گریگور؛ شفاهی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی؛ ترجمه نصرت نیل‌ساز؛ چاپ اول؛ تهران؛ حکمت؛ ۲۰۰۶ م.
- شیخ بهایی، محمدبن حسین؛ الوجیزه فی علم الدراية؛ قم؛ چاپ اول؛ بی‌تا.
- شیرازی، سیدرضا؛ غفوری‌نژاد، محمد؛ سرخه‌ای، احسان؛ ارزیابی حدیث عبدالله بن بکیر در قاعده لاضرر به روش تحلیل فهرستی؛ مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث؛ ش ۵۷؛ ص ۶۵-۸۴؛ ۱۴۰۲ ش.
- _____ ارائه سازوکار اجرایی «تحلیل فهرستی» به همراه پیاده‌سازی بر نمونه‌ها؛ مجله فهم حدیث؛ ش ۱۷؛ ص ۹-۲۹؛ ۱۴۰۱ ش.
- طارمی‌راد، حسن؛ مقاله پیشینه مکتوب منابع معتبر حدیثی شیعه امامیه؛ چاپ شده در عمادی حائری، سید محمد؛ بازسازی متون کهن حدیث شیعه؛ دارالحدیث؛ قم؛ ۱۳۹۴ ش.
- عمادی حائری، سید محمد؛ بازسازی متون کهن حدیث شیعه؛ دارالحدیث؛ قم؛ ۱۳۹۴ ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ به کوشش علی اکبر غفاری؛ چاپ سوم؛ دارالکتب الاسلامیه؛ تهران؛ ۱۳۸۸ ش.

- مامقانی، عبدالله؛ تحقیق مامقانی، محمدرضا؛ دلیل ما؛ قم؛ ۱۳۸۵ ش.
- مددی موسوی، سید احمد؛ نگاهی به دریا؛ مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه؛ قم؛ ۱۳۹۳ ش.
- موسوی، سیدمرتضی علی بن حسین؛ الزریعه إلى اصول الشریعه؛ به کوشش ابوالقاسم گرجی؛ چاپ دوم؛ دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۶ ش.
- میرزایی احمد؛ بررسی روایات به روش فهرستی؛ مشهد؛ مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام؛ ۱۳۹۷.
- نجاشی، احمد بن علی؛ فهرست‌أسماء مصنفی الشیعه؛ به کوشش سید موسی شبیری زنجانی؛ موسسه النشر الاسلامی؛ قم؛ ۱۴۰۷ ق.

